

ایده اسلامی سازی و تحول علوم انسانی

مسعود اسماعیلی*

حجت‌الاسلام مسعود اسماعیلی، طی سخنانی در آغاز این هم‌اندیشی اظهار کرد: علوم انسانی در سال‌های اخیر در کشور ما از حیث رشد و گستردگی تقریباً تغییری را از سر گذرانده است که بیشتر این تغییرات در گستردگی تعلیم و تعلم این دانش‌ها اتفاق افتاده و تا حدودی می‌توانیم بگوییم از رونق علوم انسانی در کشور کاسته شده است، اما دغدغه اصلی اصحاب دانش و پژوهش در حوزه علوم انسانی نه کم‌رونقی سال‌های اخیر تعلیم و تعلم علوم انسانی است، بلکه بیشتر بر کیفیت این دانش بوده است و اصحاب علوم انسانی و اصحاب دانش دغدغه کیفیت این دانش‌ها را دارند.

استادیار گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: از سوی دیگر این پرسش مطرح است که آیا این دانش‌ها به درد چاره‌جویی در مسائل عینی و روزمره جامعه ما می‌خورند یا خیر و چرا در بسیاری از نهادها و سازمان‌های ما از این علوم و اصحاب‌اش بهره کافی برده نمی‌شود؟ بحث جدی که قبل‌تر از این مباحث شکل گرفته بود اسلامی‌سازی علوم انسانی یا به معنای بهتر علوم انسانی اسلامی است که ایده‌اش از تحولات اجتماعی سیاسی که از دهه‌های قبل شکل گرفته وجود داشت؛ البته ایده آن در بسیاری از نهادها و مراکز

* استادیار گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (masud.esmaeily@gmail.com).

پژوهشی وجود داشته است اما تحولات اخیر مزید بر علت نسبت به علوم انسانی اسلامی شد که گویی علوم موجود نه تنها اسلامی نیستند بلکه اساساً با بوم و فضای فکری فرهنگی ما سازگار نیستند و عملاً نهادها سنخیتی احساس نکرده و مراکز اجرایی و سازمان‌هایی که در میدان عمل‌اند، احساس نیاز نمی‌کنند که از این علوم بهره ببرند؛ در نتیجه این بحث علوم انسانی اسلامی نه تنها با این تحول و تغییر اخیر از رونق‌اش کاسته نشده بلکه دغدغه بیشتری هم ایجاد کرده است.

وی افزود: گویی، کلید چاره‌جویی برای حل مشکلاتی که در حوزه علوم انسانی است به همین علوم انسانی اسلامی بازمی‌گردد؛ هرچند نکته‌ای که اینجا مطرح می‌شود این است که در سال‌های اخیر دیده شده برخی اصحاب علوم انسانی و کسانی که خود پرچم‌دار این عرصه بوده‌اند، آهسته‌آهسته با طرح مباحثی به نقد روند موجود پرداختند و آن را به صورت علمی از حوزه کاری خود کنار گذاشتند و با وجودی که دیده می‌شود توسط برخی صاحب‌نظران و کسانی که در حوزه علوم انسانی اسلامی ورود کردند این حوزه مردود اعلام نشده، اما این عرصه از سوی این افراد، عملاً پروژه غیرقابل پیگیری اعلام شده است؛ بنابراین این مطلب برای اصحاب علوم انسانی اسلامی به لحاظ پژوهشی، علمی و دانشی خطیرتر است که آیا واقعاً علوم انسانی اسلامی یک امر خودمتناقض و امری غیرقابل پیگیری در مقام عمل بوده و در فضای موجود کشور ما به لحاظ نظری و عملی قابل تحقق نیست؟ از سوی دیگر بحث در امکان و چگونگی آن مطرح می‌شود.

دکتر اسماعیلی گفت: در حالی که در این حوزه سال‌هاست که صاحب‌نظران متعددی در مراکز مهم پژوهشی ما در حال پژوهش و تولید دانش‌اند و شاید ما ادعا نکنیم که دانش‌های علوم انسانی اسلامی در تمام حوزه‌ها تولید شده، اما این مقدار از تولید برای یک‌دهه‌واندی کم نیست؛ دانش‌های فعلی انسانی در تاریخ غرب نیاز به گذراندن چند قرن برای تکون داشتند تا صدر و ذیل ویژه‌ای بگیرند و ابعاد مورد مطالعه خود را کامل پوشش

دهند؛ بنابراین ما نباید انتظار داشته باشیم که در این مدت کوتاه دانش علوم انسانی اسلامی تماماً و به کمال شکل بگیرد، اما باتوجه به این مقداری که انجام شده به نظر می‌رسد که بسیار پیشرفت داشته و عجیب است که برخی صحبت از عدم امکان وقوع علوم انسانی اسلامی می‌کنند.

عضو گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد دست‌کم فعلاً در مراکزی که این علوم شکل گرفته و محیط علمی پژوهشی که وجود دارد، به راحتی می‌توان تشخیص داد که اگر این روند ادامه یابد از لحاظ نظری و دانشی می‌توان گفت که در چند دهه آینده این دانش‌ها دست‌کم در برخی حوزه‌ها کامل خواهد شد و به‌عنوان یک دانش تام و تمام قابل عرضه به محیط دانشگاهی و محیط پژوهشی خواهند بود. وی ادامه داد: البته بحث عمل هم بحث ویژه‌ای است؛ بدین معنا که ما با چه سازوکار و تحت چه مکانیسمی می‌خواهیم آنها را به عمل نزدیک کنیم. بسیاری از این دانش‌ها نیاز به اینکه حکومت و دولت وارد شوند ندارد، اما در برخی از این دانش‌ها، مطلب بسته به این است که آیا حاکمان و حکمرانان اراده‌ای در جهت استفاده از این دانش‌ها داشته‌اند یا خیر؛ کما اینکه در حوزه‌هایی که تاحدودی دانش انسانی اسلامی داشتیم، با وجود این که گزاره‌های مشخصی در حوزه عمل در این دانش‌ها بوده است، اما دیده می‌شود که کمتر حکمرانان و دولتمردان نیاز دیدند یا ترجیح دادند که از این گزاره‌ها در حوزه عمل استفاده کنند که جای بررسی ویژه دارد و بحثی است که بعد از حوزه نظری باید مورد توجه باشد.

رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه گفت: گویی علوم انسانی اسلامی در بدو تکون و شکل‌گیری است، اما ما با این عنوان در این هم‌اندیشی می‌خواستیم توضیح دهیم که برخی مصادیق علوم انسانی اسلامی موجود است؛ البته بسیار واضح است که نه به شکل تام و تمام و کسی هم چنین ادعایی نکرده است، ولی آن

چه اهمیت دارد این است که در همین حدّ هم قابل عرضه و پیگیری است و حتی در حوزه عمل نیز تا حدودی، قابل اجراست و بنابراین نیاز نیست که اکنون در امکان علوم انسانی اسلامی بحث کنیم، بلکه باید الان تأکید کنیم که این نوع از علوم، واقع شده است و نیاز نیست نزاعی بر سر این مباحث صورت گیرد. البته همواره بحث علمی مفید است، اما اینکه بگوییم این مباحث، علمی است، غیر از این است که فردی بتواند ادعا کند همه آن چه تحت عنوان علوم انسانی اسلامی، نظریه پردازی و ارائه شده، به درد نمی خورد و اعتبار علمی و عملی ندارد. این ادعا، مطلبی است که علمیت آن اساساً فهم نمی شود و درگیری بحث به این شکل، خارج از طور تحقیق است. آن هم در محیطی که برخی از این مدعیان، در خارج از کشور ما برای خود ساخته اند.

اسماعیلی ادامه داد: بحث ما امروز این هست و باید باشد که اگر برای دانش‌هایی، مبانی‌ای تولید شده با چه رویکردها و شیوه‌هایی و تحت چه شرایط و زمینه‌هایی می‌تواند تبدیل به علوم انسانی اسلامی می‌شود؛ در واقع با توجه به پیشینه موجود از علوم انسانی اسلامی، بحث معقول و علمی امروز همین شرایط و معدّات و زمینه‌هایی است که مابقی گزاره‌ها و دیسپلین‌های انسانی - اسلامی، معلول آن است یا اصلاحی که باید در این علل و اسباب و روش‌ها صورت گیرد. این روند برای برخی از دانش‌های موجود انجام شده است؛ بنابراین بازخوانی و پیاده‌سازی این روند بررسی و اصلاح در بقیه علوم انسانی اسلامی یا گزاره‌های باقی مانده، بحث امروز ما را معنادار می‌کند که در عنوان این بحث نیز مورد توجه قرار گرفته است.

حجت‌الاسلام اسماعیلی دیدگاه خود را در باب پیشینه تاریخی علوم انسانی اسلامی چنین عنوان نمود که ما به طور قوی و روشن می‌توانیم نشان دهیم که در تمدن اسلامی به ویژه در تمدن اسلامی ایرانی، حوزه علوم اسلامی، حوزه‌ای نبوده که صرفاً بر علوم که برخاسته از متن دین بوده یا تفسیری، حدیثی، عقیدتی، تاریخی یا تنها مربوط به فقه و



احکام باشد، اطلاق شود، بلکه علوم اسلامی در تاریخ تمدن اسلامی، علمی‌اند که از دیرباز هم شناخته شده بوده‌اند و هم به‌صورت اصطلاحی در ذیل علوم دینی یا علوم حکمی اسلامی، مورد پیگیری بوده‌اند. پس بر خلاف زعم برخی که ادعا می‌کنند این اصطلاحات و دیدگاه‌ها (علوم انسانی اسلامی) در دوران معاصر جعل شده است، آنها از ادوار بسیار متقدم نیز در جهان اسلامی رواج داشته است و تلقی متفکران ما از علوم در فضای تمدن اسلامی این بود که این علوم می‌توانند و باید برخاسته از اسلام و اسلامی باشند و در واقع بسیاری از نزاع‌ها و کشمکش‌های علمی میان اندیشمندان در تاریخ تمدن اسلامی، بر سر همین مطلب بوده است؛ بنابراین در پیشینه تفکر و تمدن اسلامی، "علم اسلامی" به‌معنای فراگیر کلمه، نه فقط مشتمل بر علم انسانی اسلامی، بلکه شامل تمامی علوم بوده و این ایده و دیدگاه، مقبولیت عام داشته و تأثیرگذاری جدی دین اسلام در شکل‌گیری و رشد علوم مورد تأکید بوده و غیرقابل انکاری است. حتی غربی‌ها وقتی روند شکل‌گیری علم در تمدن اسلامی را خوانش کردند، به این مطلب اذعان نمودند که اسلام بیشترین تأثیر را بر رشد این دانش‌ها داشته و به‌جد، عنوان دانش اسلامی را در باب این علوم مورد بحث قرار دادند. اکنون جالب است که برخی ناآگاهانه، این ایده و فکر و اندیشه یادشده را در تاریخ تفکر اسلامی انکار می‌کنند؛ باوجود این که شواهد بسیار فراوانی بر آن وجود دارد. بگذریم از برخی مواضع که اساساً علمی نبوده و بیشتر سیاسی‌اند و ناشی از شکل‌گیری برخی محافظی است که برای جهت‌دادن به افکار برخی شخصیت‌ها ایجاد می‌شود.